صفحه‌آرا: علی کاظمی

بخشش قاتل بعد از ۱۲ سال

خانواده جوانی که ۱۲سال قبل در گلستان به قتل رسیده بود با پادرمیانی خادمان حرم حضرت معصومه قاتل را بخشیدند. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۱ با قتل جوانی در یک نزاع آغاز و قاتل از سوی دادگاه به قصاص محکوم شد اما اولیای دم به احترام دهه کرامت از قصاص گذشت کردند.

کشف ۴۰۳ کیلو مورفین در خوی

ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر در خوی در بازرسی از یک خودرو ۴۰۳ کیلو مورفین کشف کردند. ناصر عتباتی، رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی در این‌باره گفت: از این باند یک دستگاه خودرو توقیف و یک نفر دستگیر شد و تحقیقات برای شناسایی عوامل دیگر باند ادامه دارد.

آن‌سوی مرز

سارق تخم پرندگان به حبس محکوم شد

مرد ۷۱ساله انگلیسی به اتهام سرقت و جمع‌آوری هزاران تخم پرنده وحشی از مناطق حفاظت‌شده بریتانیا به حبس و بستری شدن در بیمارستان روانی محکوم شد.

به گزارش همشهری به نقل از بی‌بی‌سی، ژوئن سال گذشته، دانیل لینگهام ۷۱ساله که علاقه عجیبی به جمع‌آوری تخم پرنده داشت، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت، چون دوربین‌های مداربسته تصویر او را در حال سرقت تخم‌های پرنده‌های وحشی در یک منطقه حفاظت‌شده ضبط کرده بودند. مأموران پلیس با بررسی فیلم‌های ضبط‌شده و شواهد موجود پس از یک ماه تحقیق، موفق به شناسایی این مرد شدند و او را در خانه‌اش دستگیر کردند.

زمانی که مأموران راهی خانه این مرد شدند، در آنجا با انبوهی از انواع تخم پرندگان وحشی روبه‌رو شدند که این مرد طی سال‌ها آنها را سرقت و در خانه‌اش نگهداری کرده بود. او در بازجویی پلیسی اعتراف کرد که بارها این اقدام را انجام داده و از این کار لذت می‌برد و حتی شاید هرگز نتواند این کار را ترک کند.

بر اساس گزارش پلیس بریتانیا، مرد ۷۱ساله قبلا نیز ۲بار در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۸ به‌دلیل سرقت و جمع‌آوری تخم پرنده محکوم شده بود. در سال ۲۰۰۵ لینگهام پس از کشف نزدیک به ۴هزار تخم پرنده در خانه‌اش، به‌مدت ۱۰هفته زندانی شد. در سال ۲۰۱۸ نیز با لباس استتارشده در منطقه حفاظت‌شده در حال دزدیدن تخم پرنده بود که دستگیر شد و به خاطر جمع‌آوری بیش از ۵هزار تخم پرنده به مدت ۱۸هفته حبس کشید.

طبق بیانیه پلیس نورفولک، در مجموع، لینگهام مجموعه‌ای از ۲۹۹۵ تخم جمع‌آوری کرده بود که از این تعداد ۲۴۲۹ تخم تحت حمایت قانون حیات وحش بریتانیا بود.

جیمز باروز، وکیل مدافع لینگهام گفت که او بیمار روانی است و به جمع‌آوری تخم پرندگان وحشی اعتیاد دارد. دانیل لینگهام به اتهام جمع‌آوری غیرقانونی نزدیک به ۳هزار تخم پرنده وحشی محکوم به حبس شد و همچنین به او دستور داده شد که به مدت ۱۲ماه در بیمارستان روانی بستری شود و تحت درمان قرار بگیرد.

آیا پس از تبرئه شدن می‌شود خسارت گرفت؟

ممکن است فردی به جرمی دستگیر شود و به زندان برود اما بعد از مدتی معلوم شود که او بی‌گناه است. در این صورت تکلیف این فرد و مدتی که وی بی‌گناه در حبس بوده، چه می‌شود؟

عاطفه نصرآبادی، وکیل پایه یک دادگستری در این‌باره می‌گوید: قانونگذار امتیازاتی را در قانون جدید آیین دادرسی کیفری به نفع متهم پیش‌بینی کرده است. گاهی پیش می‌آید که علیه شخصی، شکایت کیفری مطرح می‌شود و آن شخص در مرحله اولیه تحقیقات مقدماتی در دادسرا از طرف بازپرس به‌عنوان متهم با صدور قرار بازداشت موقت، بازداشت و راهی زندان می‌شود.

حال اگر در دادسرا و دادگاه بی‌گناهی او ثابت شود، می‌تواند مطابق ماده ۲۵۵ و ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت ایام بازداشت موقت (اعم از خسارت مادی و معنوی منافع ممکن‌الحصول) خود را در صورت داشتن شرایط زیر مطالبه کند:

۱ شخص بی‌گناه باید در دادسرا با صدور قرار بازداشت از سوی بازپرس به بازداشتگاه یا زندان منتقل شده باشد.

۲ با صدور قرار قطعی منع تعقیب در مرحله دادسرا و یا حکم برائت در مرحله دادگاه بی‌گناهی‌اش ثابت شده باشد.

۳ در ایام بازداشت موقت به شخص بی‌گناه خسارت وارد شده باشد.

خسارت وارد شده ناشی از بازداشت موقت باشد. (به‌طور مثال شخص به‌علت بازداشت از کار بیکار شده و یا تعلیق یا متحمل هزینه شده باشد.) او ادامه می‌دهد: نکته مهم و حائز اهمیت این است که علت بازداشت موقت شخص نباید به دلایل زیر باشد:

۱ شخص بازداشت شده اسناد و مدارک بی‌گناهی خود را به بازپرس ارائه ندهد.

۲ شخص بازداشت شده قصد فراری دادن مرتکب اصلی جرم را داشته باشد.

۳ همزمان به‌علت قانونی دیگری بازداشت شده باشد.

اگر در ایام بازداشت موقت خسارتی به شخص وارد شده باشد در این ۳ مورد شخص بی‌گناه بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست.

این وکیل پایه یک دادگستری اضافه می‌کند: مراحل مطالبه خسارت شخص بی‌گناه بازداشت شده طبق قانون آیین دادرسی کیفری از این قرار است:

۱ شخص باید درخواست جبران خسارت خود را ظرف ۶ماه از تاریخ صدور رأی قطعی برائت و بی‌گناهی در مرجع ویژه‌ای به نام کمیسیون استانی که متشکل از ۳نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان است علیه دولت مطرح کند و درصورت احراز شرایط ذکرشده کمیسیون استانی حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند.

۲ حکم صادره از سوی کمیسیون استانی غیرقطعی و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در کمیسیون ملی جبران خسارت است.

اشخاص بی‌گناهی که به‌علت تقصیر یا خطای قانونی یا قاضی و یا حتی اشخاص دیگر، مدت زمانی را در بازداشت موقت سپری کرده‌اند با آگاهی و اطلاع از قانون می‌توانند خسارت وارده مدت ایام بازداشت خود را با محاسبه دقیق از دولت مطالبه و احقاق حق کنند.

مادر مقتول نذر کرد اگر خواهرزاده‌اش از قصاص نجات پیدا کند، او هم قاتل فرزندش را ببخشد

بخشش دلیل بخشش

گزارش — الهه فراهانی، روزنامه‌نگار

«تنها پسرم کشته شد و دلم فقط با قصاص قاتلش آرام می‌گرفت تا اینکه خواهرزاده‌ام در جریان یک درگیری مرتکب قتل شد و نذر کردم اگر اولیای دم، خواهرزاده‌ام را ببخشند، من هم به قاتل پسرم زندگی ببخشم.»

این چکیده صحبت‌های یک مادر است که بعد از ۱۴سال به قاتل پسرش زندگی بخشید و شرط گذاشت تا قاتل جهیزیه ۵عروس و هزینه مراسم جشن آنها را تهیه کند. قاتل نیز با کمک خانواده و خیرین شرط مادر مقتول را اجرا کرد و بعد از گذشت ۱۴سال از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت، اما این پرونده چه بود و چطور شکل گرفت؟

به گزارش همشهری، شروع این پرونده به یکی از روزهای اردیبهشت سال ۸۹ برمی‌گردد. آن روز گزارش درگیری خونینی به پلیس یکی از شهرهای شمالی کشور مخابره شد. فردی که در درگیری زخمی شده بود جوانی ۲۳ساله به نام آریا بود. بررسی‌ها حکایت از این داشت که درگیری ابتدا میان ۲کودک رخ داده و بعد دعوا به پدرهای آنها کشیده شده است. آریا که در درگیری زخمی شده بود برای میانجیگری وارد دعوا شده بود تا به درگیری ۲پدر خاتمه بدهد، اما یکی از پدرها با چوب ضربه‌ای به سر آریا زده بود.

مرگ جوان میانجی

آریا چند روز در بیمارستان بستری بود، اما شدت ضربه به حدی بود که به کما رفت و در نهایت جانش را از دست داد. در این شرایط تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد، اما او فرار کرده بود. با این حال مدتی بعد مخفیگاهش در یک کلبه جنگلی در شمال کشور شناسایی و او دستگیر شد.

مرد ۲۹ساله در حالی که اظهار ندامت می‌کرد، مدعی شد که هرگز قصد قتل نداشته است. او گفت: روز حادثه در حیاط خانه نشسته بودم و پسرم داخل کوچه سرگرم بازی با دوستانش بود. ناگهان صدای گریه‌های او را شنیدم و سراسیمه از خانه خارج شدم. پسرم سینه‌اش را گرفته بود و گریه می‌کرد. می‌گفت پسر همسایه با توپ به سینه‌اش کوبیده است. من که به‌شدت ناراحت بودم به پسر همسایه تذکر دادم و در همان لحظه بود که پدر آن کودک از خانه‌اش خارج شد. او در همسایگی ما زندگی می‌کرد و با لحن تندی جوابم را داد و همین کافی بود تا درگیری میان ما شکل بگیرد. او مرا مورد ضرب و شتم قرار داد و من که به‌شدت عصبانی بودم، یک چوب از روی زمین برداشتم تا از خودم دفاع کنم. در همان لحظه پسری جوان که به‌صورت اتفاقی از آنجا عبور می‌کرد برای میانجیگری وارد دعوا شد و اصلا نفهمیدم چه شد که با چوب ضربه‌ای به سر او زدم و جانش را گرفتم.

فرصت زندگی

متهم به قتل پس از محاکمه در دادگاه به قصاص محکوم شد و حکم به تأیید قضات دیوان عالی کشور رسید. پس از قطعی شدن رای، شمارش معکوس برای قصاص قاتل شروع شد. او چند سال قبل، پای چوبه دار رفت و با التماس از مادر مقتول خواست تا او را ببخشد. طناب دار بر گردن قاتل قرار گرفت و او همچنان گریه می‌کرد تا اینکه مادر مقتول در واپسین لحظات دلش به رحم آمد و حکم قصاص را اجرا نکرد. او به قاتل پسرش مهلت داد و گفت در وقت بعدی وکیلش را می‌فرستد تا حکم را اجرا کند، اما در این مدت ورق برگشت و اتفاق عجیبی رخ داد که موجب شد مادر مقتول از قصاص گذشت کند و با بخشش قاتل، باعث شود که او پس از تحمل ۱۴سال زندان، آزاد شود.

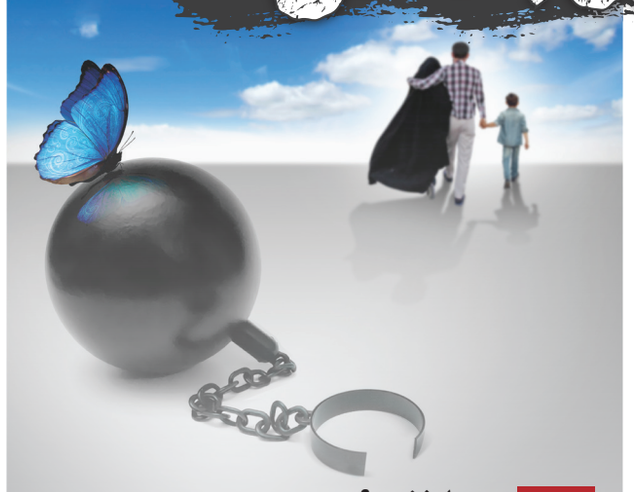

چرا بخشیدم؟

مکث

مادر مقتول درباره انگیزه‌اش از بخشش قاتل پسرش می‌گوید: من خواهرزاده‌ای به اسم کامران دارم. از بچگی به او شیر داده و بزرگش کرده‌ام و مثل بچه خودم است. خواهرم چند سال قبل بر اثر بیماری جانش را از دست داد. بعد از مرگ خواهرم، کامران بیشتر وقت‌ها با ما بود. وقتی پسرم آریا به قتل رسید، کامران خیلی بی‌تابی می‌کرد. وی ادامه داد: پسرم بی‌گناه به قتل رسید و من از قاتلش به‌شدت کینه داشتم؛ از اینکه بی‌دلیل جان پسرم را که هیچ تقصیری در ماجرا نداشت، گرفته بود. فقط با قصاص او آرام می‌گرفتم، اما روزی که برای اجرا رفتم، نتوانستم حکم را اجرا کنم. قاتل آنقدر گریه و التماس کرد که دلم به حالش سوخت. من همچنان قصد داشتم حکم قصاص را اجرا کنم تا اینکه اتفاق دیگری رخ داد. مادر مقتول توضیح داد: خواهرزاده‌ام کامران که جای خالی پسرم را برایم پر کرده بود، در جریان یک درگیری پیش پاافتاده، جان پسری جوان را گرفت. آنطور که می‌گفتند دعوا به خاطر نگاه چپ بود و کامران با ضربات چاقو، دست به جنایت زده بود. این‌بار در جایگاه خانواده قاتل قرار گرفته بودم و وقتی حکم قصاص کامران تأیید شد، تازه فهمیدم همه‌چیز جدی است. اولیای دم می‌خواستند حکم را اجرا کنند و من به تکاپو افتادم تا از آنها رضایت بگیرم. تمام فکرم شده بود نجات زندگی خواهرزاده‌ام. نذر کردم که اگر کامران را ببخشند و رضایت بدهند، من هم قاتل پسرم را ببخشم. این زن گفت: تلاش بی‌وقفه‌ام، پایان خوشی داشت و اولیای دم سرانجام خواهرزاده‌ام را بخشیدند. هرچند روزهای خیلی سختی را گذراندم. شب‌هایی که فکر نمی‌کردم صبح شود، اما گذشت و پاسخ تلاشم را گرفتم. آنها دیه خواستند تا مبلغ دیه را صرف ایتام و کودکان بی‌سرپرست کنند. هرچه داشتم فروختم و به اولیای دم دادم تا کامران نجات پیدا کند. حالا نوبت ادای نذر خودم بود. من هم قاتل پسرم را بخشیدم به این شرط که ۵زوجی را که تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد هستند یا در شیرخوارگاه بزرگ شده‌اند شناسایی و خرج جهیزیه و مراسم جشن عروسی آنها را تامین کنند. خانواده قاتل با کمک خیرین این شرط را اجرا کرده و قاتل پسرم بعد از ۱۴سال از زندان آزاد شد. من هم احساس آرامش دارم و فکر می‌کنم روح پسرم هم در آرامش است؛ چرا که او نمی‌خواست قاتلش قصاص شود. او باید نزد فرزند و خانواده‌اش برمی‌گشت و خوشحالم که این اتفاق شیرین برای خواهرزاده‌ام و قاتل پسرم رخ داد.

مأمور پلیس پس از مرگ مغزی تنها فرزندش تصمیم بزرگی گرفت

پسر یک‌ساله فرشته نجات ۵ کودک شد

اهدای عضو

«ما یک بچه دادیم، ۵بچه گرفتیم. مهدی من جان ۵بچه را خرید»؛ با صدای گرفته و بغض‌آلودش این را می‌گوید و سکوت می‌کند. انگار که هنوز باورش نمی‌شود پسر یک‌ساله‌اش به خاطر مرگ مغزی، اعضایش اهدا شده است. این، وضعیت غمبار این روزهای ستوان‌دوم ابوالفضل خادمعلی، از مأموران انتظامی شهرستان جاسک است. او و همسرش چند روز قبل در تصمیمی بزرگ اعضای بدن مهدی، فرزند یک‌ساله‌شان را به بیماران نیازمند اهدا کردند و جان ۵کودک را که مدت‌ها در صف دریافت اعضای پیوندی بودند، نجات دادند. ستوان خادمعلی در گفت‌وگو با همشهری جزئیات بیشتری از این حادثه را بازگو می‌کند.

درباره فرزندتان صحبت کنید. او چند ساله بود و چه شرایطی داشت؟

پسرم مهدی روز ۱۸اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ به دنیا آمد و با تولدش زندگی‌مان شیرین‌تر شد. من در انتظامی شهرستان جاسک خدمت می‌کنم و در این یک‌سال وقتی از محل کار به خانه برمی‌گشتم با دیدن مهدی همه خستگی‌هایم را فراموش می‌کردم.

چطور شد که مهدی دچار حادثه شد؟

این حادثه ۱۴اردیبهشت اتفاق افتاد. آن شب من خانه بودم. ساعت حدود یک بامداد بود که بچه گریه کرد. او شیر خشک می‌خورد و هر شب تقریبا ۶۰سی‌سی شیر خشک به او می‌دادیم. من و همسرم فکر کردیم پسرمان گرسنه است و شیرخشک می‌خواهد. مهدی کنارمان خوابیده بود. خانمم سراغ بچه رفت و او را آرام کرد. چند لحظه بعد پسرم دوباره گریه کرد. این بار گریه‌اش شدیدتر بود؛ طوری که بچه بی‌حال شد، فکش قفل شد و باز نشد. فورا خودم را به او رساندم. سعی کردم با دست‌هایم فکش را باز کنم. در ادامه چون شرایط سخت‌تر شده بود با ۲ انگشت تلاش کردم او را سی‌پی‌آر و احیا کنم، اما فایده‌ای نداشت و او را به مرکز بیمارستان جاسک رساندیم.

در آنجا چه اقدامات درمانی برای مهدی انجام شد؟

او دچار تب و تشنج شده بود. کادر درمان همه تلاش‌شان را انجام دادند، اما در ادامه گفتند که باید به بیمارستان کودکان اعزام شود. آنجا هم اقدامات زیادی برای نجات پسرم انجام شد، اما در نهایت گفتند که مهدی دچار مرگ مغزی شده است.

شما و همسرتان بعد از شنیدن این خبر چه واکنشی داشتید؟ چطور توانستید این غم را تحمل کنید؟

ما شوکه شده بودیم و باورمان نمی‌شد مهدی دیگر به خانه برنمی‌گردد. نمی‌دانستیم باید چه کار کنیم. خداوند لحظاتی را که بر من و همسرم گذشت برای هیچ‌کس تکرار نکند.

در آن لحظات سخت چطور شد که به فکر اهدای عضو افتادید؟

وقتی مرگ مغزی پسرم قطعی شد، چند نفر از مسئولان بیمارستان سراغ من آمدند و موضوع اهدای عضو را مطرح کردند. من به خاطر کاری که دارم متأسفانه چنین مسائلی را زیاد دیده و به خوبی درک کرده‌ام. من گفتم درست است که پدر کودک هستم، اما تصمیم اصلی را باید مادرش بگیرد. بالاخره هرچه باشد من روزها سر کار می‌روم و شاید در شبانه‌روز فقط چند ساعت پسرم را می‌دیدم، اما مادرش همیشه با مهدی بود و با او انس و الفت زیادی گرفته بود. با همسرم در این‌باره صحبت کردم. برایش سخت بود، اما وقتی فهمید با اهدای اعضای بدن پسرمان چند کودک دیگر زنده می‌مانند، موافقت کرد و هر دو رضایت‌نامه را امضا کردیم.

اعضای بدن مهدی جان چند بیمار را نجات داد؟

بعد از آنکه پزشکان متخصص دیگری هم پسرم را معاینه کردند و مطمئن شدند که دیگر به زندگی برنمی‌گردد، عمل جداسازی اعضا انجام شد. این اتفاق دقیقا روز ۱۸اردیبهشت و در روز تولد پسرم رخ داد و ما فقط یک‌سال او را داشتیم. نمی‌دانم شاید ما لیاقت چنین فرزندی را نداشتیم، اما باز هم راضی به رضای خدا هستیم. آنطور که به ما گفتند ۵عضو حیاتی مهدی جداسازی و به ۵کودک دیگر که مدت‌ها در صف دریافت اعضای پیوندی بودند اهدا شد.

حالا که چند روز از این اتفاق و اهدای عضو می‌گذرد شما و همسرتان چه احساسی دارید؟ آیا از تصمیم بزرگی که گرفته‌اید راضی هستید؟

مهدی من جان ۵نفر را خرید. ما خوشحالیم که ۵بچه با اعضای بدن فرزندمان زنده می‌مانند. با این کار ما یک بچه دادیم، اما ۵بچه گرفتیم. هرچند به خاطر از دست دادن فرشته یک‌ساله‌مان تا همیشه غمگین هستیم، اما خوشحالیم که او با بدن کوچکش به ۵کودک دیگر زندگی بخشید. خدا کند هیچ وقت هیچ‌کس در این شرایط قرار نگیرد. ولی اگر خدای نکرده قرار گرفت اهدای عضو بهترین تصمیم است. به جای اینکه اعضای بدن عزیزان زیر خاک برود آن را به بیماران نیازمند اهدا کنید.

متهمان ۲ پرونده جنجالی به‌زودی محاکمه می‌شوند

دادستان تهران از صدور کیفرخواست برای متهمان پرونده سرقت مسلحانه در بزرگراه صدر و زنجیرکشی در اتوبوس بی‌آرتی خبر داد. به گزارش همشهری، نخستین پرونده، ماجرای زورگیری در بزرگراه صدر است که فیلم آن جنجالی شد. در جریان این زورگیری ۴سارق با چاقو و قمه به راننده یک ال ۹۰ که گوشی آیفون در دست داشت حمله کردند با ضرب و شتم او در مقابل چشمان شاهدان، گوشی وی را سرقت کردند. علی صالحی، دادستان تهران در نشست شورای‌عالی قوه قضاییه، ضمن اشاره به آخرین روند رسیدگی به این پرونده گفت: پرونده سرقت مسلحانه در بزرگراه صدر ۴متهم داشت که با انجام تلاش‌های شبانه‌روزی ۳نفر از متهمان با اعطای نیابت قضایی در شمال کشور دستگیر شدند و یکی از متهمان همچنان فراری است. با این حال برای ۳متهم پس از انجام تحقیقات کیفرخواست صادر شد. دادستان تهران درباره اتهامات متهمان این پرونده گفت: از جمله اتهامات موجود در کیفرخواست صادره، شرکت در محاربه از طریق به کارگیری سلاح سرد به‌منظور بردن مال مردم و ایجاد ناامنی در محیط است. دومین پرونده اما ماجرای ضرب و شتم ناجوانمردانه یکی از مسافران اتوبوس بی‌آرتی توسط یک سارق بود.

ماجرا از این قرار بود که وقتی چند جیب‌بر وارد اتوبوس بی‌آرتی شدند، یکی از مسافران متوجه شد که آنها قصد سرقت دارند و به بقیه مسافران هشدار داد. اما یکی از سارقان که عصبانی شده بود با حمله به این شهروند وظیفه‌شناس، با زنجیر شروع به ضرب و شتم بی‌رحمانه وی کرد و در نهایت نیز به همراه همدستانش گریخت. دادستان تهران با اشاره به رسیدگی‌های انجام‌شده پیرامون این پرونده، گفت: پس از انتشار فیلم مربوط به ضرب و جرح یک نفر در اتوبوس بی‌آرتی تهران، پرونده قضایی این موضوع تشکیل و پس از بررسی‌های صورت‌گرفته، متهمان این پرونده دستگیر شدند که در نهایت کیفرخواست متهمان این پرونده به اتهاماتی از جمله سرقت تعزیری از طریق جیب‌بُری، شرکت در ضرب و جرح عمدی با زنجیر، توهین، مشارکت در تهدید با چاقو و تبانی برای بردن مال غیر و همچنین اخلال در نظم عمومی، صادر شد.

داخلی

زن تحصیلکرده راننده سارقان بود

۲مرد لباس پلیس می‌پوشیدند و نقش مأمور را بازی می‌کردند و با همدستی زنی که نقش راننده آنها را بازی می‌کرد دست به سرقت و اخاذی از طعمه‌هایشان می‌زدند.

به گزارش همشهری، از اسفندماه سال گذشته گزارش سرقت و اخاذی‌های سریالی اعضای یک باند در پوشش مأمور به پلیس پایتخت اعلام شد. یکی از مالباخته‌ها در توضیح ماجرا گفت: در حال رفتن به خانه‌ام بودم که خودروی پرایدی راهم را سد کرد. زنی پشت فرمان بود و ۲مرد جوان نیز لباس پلیس بر تن داشتند. آنها برگه‌ای به من نشان دادند که حکم جلب من بود. می‌گفتند باید همراه آنها به اداره پلیس بروم. می‌گفتند گزارش شده که من تخلف کرده‌ام. از آنجا که آنها لباس پلیس بر تن داشتند و تجهیزات نظامی همراهشان بود، سوار ماشین شدم، اما در بین راه با تهدید، اموال قیمتی‌ام مانند پول، طلا و دلارهایی را که همراهم بود به سرقت بردند. سپس مرا به بیرون از ماشین پرتاب کردند. تحقیقات برای دستگیری این گروه ادامه داشت تا اینکه در آخرین سرقت خود، مالباخته متوجه شد که آنها مأموران قلابی هستند. او که ورزشکار بود با متهمان درگیر شد و طولی نکشید که مردم جمع شدند تا مانع فرار سارقان شوند. هرچند ۲مردی که نقش پلیس را بازی می‌کردند، متواری شدند، اما زنی که راننده بود نتوانست از دست مردم فرار کند و دستگیر شد.

این زن دستگیر شد و اگرچه اصرار داشت بی‌گناه است و مأموران قلابی را نمی‌شناسد، اما در ادامه تحقیقات به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد. او گفت: من تحصیلکرده‌ام و زندگی خوبی داشتم، اما چند سال قبل همسرم معتاد به شیشه شد و زندگی‌مان رو به تباهی رفت. شوهرم اصرار کرد تا با او و دوستش همراه شوم تا کسی به آنها مشکوک نشود. ابتدا قبول نمی‌کردم، اما بعد به‌خاطر عشقی که به او داشتم ناچار شدم برای نخستین‌بار در راه خلاف قدم بگذارم و با همسرم همراه شوم.

با اطلاعاتی که این زن در اختیار پلیس قرار داد، ۲مأمور قلابی دستگیر شدند. شوهر این زن گفت: سال ۹۱ بود که با دوستان ناباب معاشرت کردم و معتاد به شیشه شدم. با اصرار آنها وارد دنیای سارقان شدم و رفته‌رفته به یک سارق حرفه‌ای تبدیل شدم. آخرین‌بار اما به جرم خرید و فروش شیشه دستگیر شدم و چون ۲۰۰گرم شیشه همراهم بود به ۲۷سال حبس محکوم شدم. درخواست عفو دادم که به ۱۳سال و نیم حبس تبدیل شد. وی ادامه داد: سال ۱۴۰۲ با سپردن وثیقه از زندان مرخصی گرفتم، اما چون نتوانستم کار مناسبی پیدا کنم، ناچار شدم با همدستی دوستم نقشه خلاف بکشم. از همسرم هم خواستم تا با ما همراه شود و نقش راننده را بازی کند. وی ادامه داد: سوژه‌هایمان را از میان اتباع خارجی و افراد دیگر انتخاب می‌کردیم تا به بهانه دستگیری آنها دست به سرقت و اخاذی بزنیم. اعضای این باند پس از اقرار به سرقت بازداشت شدند و تحقیقات تکمیلی زیرنظر قاضی مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

دستگیری ۴نفر از فروشندگان سؤالات آزمون وکالت

رئیس مرکز حفاظت اطلاعات دستگاه قضا از دستگیری ۴نفر که اقدام به فروش سؤالات آزمون وکالت با مبالغی هنگفت کرده بودند، خبر داد. به گزارش همشهری و طبق اعلام علی عبداللهی، رئیس مرکز حفاظت اطلاعات دستگاه قضا، این ۴نفر سؤالات آزمون وکالت را به برخی از شرکت‌کنندگان فروخته و در ازای آن مبالغ قابل توجهی را دریافت کرده بودند. آزمون وکالت در تاریخ جمعه ۱۸اسفندماه ۱۴۰۲ و با شرکت بیش از ۱۱۰هزار داوطلب برگزار شد. اما از چند ساعت پیش از برگزاری این آزمون، زمزمه‌هایی مبنی بر لو رفتن سؤالات به گوش می‌رسید؛ زمزمه‌هایی که پس از برگزاری آزمون در صفحات مجازی رنگ و بوی جدی‌تری به‌خود گرفت. یک کانال تلگرامی ابتدا ۲سؤال را منتشر کرد و سپس با گذاشتن آدرس کانال تلگرامی دیگری مدعی شد که تمامی سؤالات آزمون فوق‌العاده آزمون وکالت را به همراه پاسخ سؤالات منتشر کرده است؛ شرکت‌کنندگان در این آزمون صحت این سؤالات را تأیید کردند.

قتل با انگیزه سرقت طلا

به‌دنبال پیدا شدن جسد زن تنها در خانه‌اش در پایتخت، بررسی‌ها نشان می‌دهد که او احتمالا قربانی سرقت طلاهایش شده است. به گزارش همشهری، ساعت ۱۹:۳۰ شامگاه یکشنبه ۲۳اردیبهشت به قاضی محمدمهدی براعه، بازپرس ویژه قتل خبر رسید که زنی تنها در خانه‌اش به قتل رسیده است. تیم جنایی به آپارتمان زن تنها رفت و با جسد خونین او مواجه شد. وی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. به‌هم‌ریختگی وسایل خانه وی و سرقت طلا و جواهراتش نشان می‌داد که عامل یا عاملان قتل با انگیزه سرقت دست به جنایت زده‌اند. همچنین مشخص شد که در خانه بدون هیچ تخریبی باز شده و این موضوع فرضیه جنایت از سوی یک آشنا را قوت می‌بخشید. از سوی دیگر، مشخص شد که یکی از همسایه‌ها در جریان جنایت قرار گرفته و پلیس را خبر کرده است. او گفت که مقتول تنها زندگی می‌کرد و روز حادثه زمانی که قصد خروج از ساختمان را داشت، متوجه باز بودن در خانه وی شده. از روی کنجکاوی وارد خانه زن تنها شده و چشمش به جسد خونین او افتاده است. جسد این زن به پزشکی قانونی انتقال یافت و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران جست‌وجوی خود را برای شناسایی عامل یا عاملان این جنایت آغاز کرده‌اند تا اسرار این جنایت رازگشایی شود.